

## ریشه های اجتماعی شورش های بایه در ایران

امیر نیاکوئی\*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۲۴ - تاریخ تصویب: ۸۷/۶/۳۱)

چکیده:

این مقاله به بررسی تاریخ پیدایی و اقدامات هواداران جنبش بایه در ایران دوره قاجار می پردازد. نویسنده با بررسی جامعه شناختی شورش های بایه، کاستی های رویکرد و تحلیل مارکسیستی از این واقعه را نیز به چالش می کشد.

واژگان کلیدی:

شورش های بایه - طبقات اجتماعی - پایگاه اجتماعی - اصلاحات اجتماعی - رویکرد مارکسیستی

---

\* E mail: niakoe@yahoo.com

Moojan Momen: International Journal of Middle East Studies, Vol. 15, No.2 (May, 1983)

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در همین مجله منتشر شده است:

«مسائل سیاست اجتماع گرایی»، ش ۴، سال ۸۶

### مقدمه

در اواسط قرن نوزدهم میلادی، شورش های بابیه فضای سیاسی جامعه ایران را دربرگرفت. در رابطه با چرایی این شورش ها رویکردهای متعددی وجود دارد. افرادی چون ایوانف یا محمدرضا فشاھی از منظری مارکسیستی شورش های بابیه را مورد بررسی قرار می دهند حال آن که موجان مومن بر آن است که این شورش ها تطابق چندانی با الگوی مارکسیستی در جامعه شناسی سیاسی ندارد. ما در این گزارش به بررسی و ارزیابی مقاله موجان مومن در تبیین جامعه شناختی شورش های بابیه می پردازیم. موجان مومن در ابتدای مقاله شرح مختصری از تاریخچه و شورش های بابیه ارائه می دهد سپس نظریه مارکسیستی ایوانف را در تبیین این وقایع بیان می کند. مومن در ادامه به مطالعه موردی شورش های بابیه در شیخ طبرسی، نیریز، زنجان و وقایع تهران می پردازد و میزان کارآمدی الگوی مارکسیستی را مورد آزمون قرار می دهد و در انتها تلاش می کند تا رویکردی جایگزین برای تبیین شورش های بابیه ارائه دهد.

### تاریخچه شورش های بابیه

نویسنده در ابتدای مقاله، تاریخچه ای از شکل گیری بابیه و تغییر شکل آن به بهائیت ارائه می دهد تا تصویری روشن تر از این وقایع ترسیم شود. همان طور که می دانیم در اواسط قرن نوزدهم میلادی، رشته ای از شورش های بابیه فضای سیاسی جامعه ایران را دربرگرفت. این شورش ها مدت مدیدی به درازا نکشید ولی تقریباً کل فضای کشور را در بر گرفت و در رشته ای از وقایع، تأثیرات بلندمدتی چون انقلاب مشروطه و ایجاد آئینی جدید (بهائیت) را به همراه آورد.

سیدعلی محمد شیرازی موسس فرقه بابیه در ابتدا تنها عنوان می کرد که با امام غایب در ارتباط است و این ادعای او تنها معطوف به پیروان مکتب شیخیه بود که به تازگی رهبر خود (سید کاظم رشتی) را از دست داده و در جستجوی رهبر دیگری بودند. ولی چند سال بعد مشخص شد که ادعاهای باب بسی فراتر از این است. او در سال ۱۸۴۸ خود را مهدی موعود نامید و بیان داشت که از سوی خدا آمده و حامل وحی جدیدی است که شریعت اسلامی و قرآن را منسوخ می کند. چنین ادعایی چالشی مستقیم در برابر دستگاه روحانیت به حساب می آمد. متعاقب آن در خراسان پرچم های سیاه برافراشته شد. این عمل چالشی مستقیم برای دولت محسوب می گشت. کمی بعد اولین رشته از شورش های بابیه در شیخ طبرسی اتفاق افتاد. پس از آن اولین شورش نیریز روی داد و کمی بعد شورش طولانی مدت زنجان. باب را

در ۹ جولای ۱۸۵۰ اعدام کردند. یک سال و نیم بعد از پایان آشوب زنجان، در ۱۵ اگوست ۱۸۵۱ گروهی از بابیان به جان شاه سوء قصد کردند. این عمل موجی از بازداشت و اعدام بابیان را در سال‌های پیش رو به دنبال داشت. سال بعد در اکتبر ۱۸۵۳ شورش دوم نیریز آغاز شد. پس از سرکوب‌های خونین این شورش‌ها، جنبش بابیه شکل زیرزمینی گرفت و دو دهه بعد در قالب بهائیت نمایان گردید.

این که جنبش بابیه در مدت کوتاهی توانست توده‌های زیادی را جذب کند باعث شد که برخی از محققان برای تبیین این پدیده به ریشه‌ها و عوامل اقتصادی و اجتماعی تأکید کنند. بدون شک اولین کسی که از منظر اقتصادی اجتماعی و با چشم‌انداز مارکسیستی قیام بابیه را مورد تحلیل قرار داد ایوانف می‌باشد. ایوانف سعی نمود که حقایق تاریخی زیادی را در رابطه با شورش‌های بابیه بیان دارد. خلاصه نظریه ایوانف به قرار زیر است

### نظریه مارکسیستی ایوانف

ایوانف بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران را با بیان شواهد متقن تاریخی نمایان می‌کند و می‌گوید.

۱- تراز تجاری ایران نشان می‌دهد که مسیر تجاری اصلی برای ایران از ۱۸۸۰-۱۸۳۰ مسیر تبریز - ارزروم - استانبول بوده و اکثر صادرات و واردات از این راه انجام می‌گرفت. بررسی شاخص‌های تجاری از منابع مختلف نشان می‌دهد که ایران همواره یک کسری عظیم تجاری داشته است.

### تراز تجاری با روسیه و اروپا در مسیر تبریز

کسری سالیانه	واردات کل	صادرات کل	میانگین سالیانه (۱۸۴۷-۱۸۳۳) منابع روسی
f ۴۶۶ و ۵۸۰	f ۷۲۶ و ۸۸۶	f ۲۶۰ و ۳۰۶	
f ۳۳۴ و ۱۴۷	f ۷۰۳ و ۲۰۴	f ۳۶۹ و ۰۵۷	کنسول بریتانیا (ابوت) مارس ۱۸۴۴ - مارس ۱۸۴۵
f ۴۸۷ و ۰۳۵	f ۸۳۰ و ۷۷۳	f ۳۴۳ و ۷۳۸	کنسول بریتانیا (استون) ۱۸۴۸

موقعیت تجاری ایران در مسیر بوشهر نیز وخیم بوده طوری که در سال‌های ۱۸۲۳-۱۸۱۷ به طور متوسط سالیانه f ۷۴/۰۰۰ کسری تجاری وجود داشته است. به طور کلی وضعیت

تجاری ایران وخیم بوده و کسری تجاری عظیمی وجود داشته است. این کسری عظیم و پدیده باعث خروج طلا و نقره از کشور گردید. پیامدهای اقتصادی این خروج عظیم در سالهای نخستین به دلیل غنایم عظیمی که ایران در عصر نادر شاه بدست آورده بود کمتر احساس می شد ولی این خروج پدیده کم کم در دهه ۱۸۴۰ تأثیرات خود را نمایان می کرد. افول شدید ارزش پول و سایر عوامل منجر به نرخ تورمی بین ۷۰ تا ۱۵۰ درصد در سال های ۱۸۶۱-۱۸۴۳ گردید. در این مقطع قیمت کالاهای اساسی مانند گندم به سه برابر افزایش یافت.

۲- علاوه بر پیامدهای اقتصادی تجارت با اروپا، واردات کالاهای اروپایی منجر به افول و حتی مرگ بسیاری از صنایع محلی و سنتی گردید. اصولاً بازرگانان ایرانی که اسیر حکومت فاسد و باج گیر بودند قادر به رقابت با شرکت های اروپایی که از طریق قراردادهای تجاری و قدرتهای کنسولی خود حمایت می شدند، نبودند.

۳- علاوه بر این ها، شکست های نظامی تحقیرآمیز از روسیه و انگلستان (واقعه هرات) و رفتارهای تحقیرآمیز نماینده های کنسولی و دیپلماتیک آنها، تفوق غرب و واماندگی ایران را بیش از پیش بر روشن فکران ایرانی نمایان می کرد. علاوه بر این، اقدامات تمسخر برانگیز حاج میرزا آغاسی، فساد فراگیر حکومت، وضعیت تأسف برانگیز ارتش و همچنین تاریک اندیشی و حرص و آز برخی از علمای درباری، باعث افزایش نارضایتی و ناآرامی مردم می گشت. به طور کلی و با توجه به عوامل فوق، ایوانف، جنبش بابیه را یک جنبش توده ای محبوب که محصول شرایط اجتماعی مناسب و علیه طبقه حاکم است تعریف می کند. ایوانف به پیشینه بازرگان بودن باب و تأثیر آن بر آموزه های او تأکید می کند و می گوید که فاز بعدی جنبش با ظهور محمدعلی بارفروش که از خانواده ای دهقان بود شروع گردید. او عقایدی چون لغو مالیات و مالکیت خصوصی را بسط داد.

ایوانف در مجموع شورش بابیه را قیام دهقانان، صنعت گران، فقرای شهری و تجار خرده پا علیه فئودالیزم و تسلط سرمایه خارجی بر کشور بیان می دارد. با این حال برای ارزیابی نظریه ایوانف لازم است به شواهد تجربی از شورش های بابیه در شیخ طبرسی، زنجان، نیریز و وقایع تهران مراجعه شود تا بهتر بتوان صحت و سقم این نظریه را بررسی کرد. موجان مومن بدین منظور به بررسی روند این شورش ها و پایگاه اجتماعی شورشیان می پردازد.

### واقعه شیخ طبرسی

از نظر نویسنده، در میان شورش های بابیه که در مقطع ۱۸۵۳-۱۸۴۸ روی داد، بدون شک مهم ترین آنها شورش شیخ طبرسی می باشد به این دلیل که

اولاً خود باب ملاحسین را رهنمون کرد تا در خراسان پرچم‌های سیاه برافرازد و به سمت غرب حرکت کند. همچنین باب یک فراخوان عمومی برای پیروان خویش صادر کرد تا زیر پرچم‌های سیاه گردآیند.

ثانیاً، در این واقعه دوتن از برجسته‌ترین یاران باب، ملا محمد علی بارفروش و ملاحسین بشرویه و ۹ تن از ۱۸ حواری اولیه باب (حروف حی) حضور داشتند. این در حالی است که در وقایع زنجان و نیریز هیچ‌یک از حروف حی (۱۸ حواری اولیه باب) حضور نداشتند و هریک از این شورش‌ها را تنها یکی از مریدان برجسته باب رهبری می‌نمود.

ثالثاً، در این واقعه بابیه‌ها، پاسخی در خور به دعوت باب دادند و از تمام مناطق کشور برای ملحق شدن به ملاحسین رهسپار شتوند. بسیاری در این راه موفق شدند و خود را به او رساندند، گروهی نیز به دلیل تلاش‌های نیروهای دولتی موفق نشدند. سیدیحیی دارابی که بعدها شورش نیریز را رهبری نمود و میرزا حسین علی نوری، بهاء‌الله و گروهی که در وقایع خونین تهران، جان خود را از دست دادند، در میان افرادی بودند که موفق به پیوستن به ملاحسین نشدند. در شورش‌های بعدی، چنین استقبال عظیمی کمتر دیده می‌شود.

لذا در مجموع شرکت کنندگان شیخ طبرسی را می‌توان نمایندگانی از پیروان فعال و علاقه‌مند باب از تمام بخش‌های کشور دانست. جزئیات واقعه شیخ طبرسی به قرار زیر است: در جولای ۱۸۴۸، ملاحسین بشرویه به رهنمود باب، در مشهد پرچم‌های سیاه برافراشت و به سمت غرب حرکت نمود. این عمل چه برای دولتیان و چه سلسله مراتب مذهبی کاملاً معنی‌دار بود. اول این که یک روایت معروف منتسب به پیامبر وجود دارد که می‌گوید هرگاه دیدید که از خراسان گروهی با پرچم‌های سیاه حرکت می‌کنند، به نزد آنها بروید زیرا آنجا امام مهدی را خواهید یافت. علاوه بر این عباسی‌ها با برافراشتن پرچم‌های سیاه در خراسان موفق به سرنگون کردن بنی‌امیه شده بودند. به هر حال ملاحسین که از خراسان به سمت غرب حرکت می‌کرد. از سوی نیروهای دولتی چندان با چالش مواجه نشد شاید به این دلیل که این واقعه با مرگ محمد شاه و آشفتگی در دربار همزمان گشت. به هر حال میان بابی‌ها و مردم درگیری‌هایی رخ داد. متعاقب این درگیری‌ها، ملاحسین مواضع خود را پیرامون آرامگاه شیخ طبرسی مستقر نمود و استحکامات تدافعی بنا کرد. در رابطه با تعداد افراد شرکت‌کننده در واقعه شیخ طبرسی تخمین‌های متفاوتی وجود دارد. موقعیت شغلی ۳۶۵ نفر از شرکت‌کنندگان در واقعه شیخ طبرسی به‌قرار زیر است.

موقعیت شغلی شرکت کنندگان در شیخ طبرسی

	علمای سطوح بالا	علمای سطوح پائین	اشراف، مالکین زمین و صاحب منصبان	تجارت عمده و فروش	تجارت خرده فروش	کارگران ماهر شهری	کارگران غیر ماهر شهری	دهقانان	طبقه بندی نشده			کل
									[a]	[b]	[c]	
خراسان شامل قائن و سمنان	۶	۶۲	۱	۱	۳	۵	۴	۱	۱۲	۴۳	۶	۱۴۴
مازندران و گیلان	۴	۲۸	۷	۰	۰	۷	۱	۵	۹	۱۹	۱۰	۹۰
آذربایجان	۰	۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۰	۱۰
قزوین و زنجان	۰	۶	۰	۳	۱	۲	۰	۰	۱۴	۰	۰	۲۶
تهران و قم	۴	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۹
کاشان و محلات	۰	۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴
اصفهان	۰	۸	۲	۱	۴	۱۹	۰	۰	۱۲	۷	۰	۵۳
فارس	۰	۵	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۶	۰	۰	۱۲
یزد و کرمان	۰	۲	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۴	۰	۰	۱۰
عراق	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۴
نامشخص	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۱	۳
جمع	۱۴	۱۲۲	۱۲	۵	۹	۳۹	۶	۶	۶۱	۷۳	۱۸	۳۶۵

\* توضیح : در بخش طبقه بندی نشده اطلاعاتی در مورد شغل افراد وجود ندارد با این حال [a] افرادی هستند که دارای مشاغل شهری بوده و به شهرهای بزرگ تعلق دارند و [b] افرادی هستند که منشاء روستایی دارند. [c] افرادی هستند که اطلاعاتی در مورد شهری یا روستایی بودن آنها وجود ندارد.

منشاء روستایی یا شهری ۵۳۷ نفر از مشارکت کنندگان در واقع شیخ طبرسی نیز به قرار زیر است.

## ریشه‌های شهری / روستایی شرکت کنندگان

## بابی در شیخ طبرسی

شهرهای بزرگ (> ۲۲/۰۰۰)	۱۰۸
شهرهای متوسط (۷۰۰۰-۲۲۰۰۰)	۷۴
شهرهای کوچک (۲۰۰۰-۷۰۰۰)	۲۸
روستاها	۲۶۹
قبایل	۱
جمع	۴۸
افرادى که اطلاعاتى درباره آنها وجود ندارد یا خارج از ایران بوده‌اند	۵۷
جمع کل	۵۳۷

شورش شیخ طبرسی پس از مدت‌ها کش و قوس با سرکوب شدید به پایان رسید.

## شورش‌های نیریز در ۱۸۵۰ و ۱۸۵۳

اطلاعاتی که از نیریز وجود دارد حاکی از آن است که شهری کوچک بود با سه محله.

لاوت در سال ۱۸۷۲ جمعیت این شهر را در حدود ۳۵۰۰ نفر تخمین می‌زند.

فردی که جنبش بابی را در نیریز به راه انداخت سید یحیی دارابی بود که توسط باب با عنوان وحید مشهور شده بود. وحید پسر یکی از مشهورترین علمای دوران، سید جعفر دارابی ملقب به کاشفی بود، وحید در سال ۱۸۴۹ به امید پیوستن به بابیان در طبرسی به تهران رفته بود اما مطلع شد که مسیر عبور توسط نیروهای دولتی مسدود شده است. لذا برای مدتی در تهران در منزل میرزا حسین علی بهاء‌الله باقی ماند سپس به سمت یزد رفت. حضور او در یزد باعث ایجاد شورشی در آنجا شد. در نهایت موقعیت وحید در یزد رو به وخامت نهاد و او به سمت استان فارس حرکت نمود او به آرامی مسافرت می‌نمود و در روستاهای مختلف، به تبلیغ و موعظه می‌پرداخت. در نهایت او به نیریز جایی که در گذشته با دختر حاج شیخ عبدالعلی ازدواج کرده بود رفت. بعد از مدت کوتاهی از حضور وحید در نیریز، منازعه و زد و خوردی میان او و حاکم شهر ایجاد شد و وحید همراه گروهی از دوستانش به قلعه‌ای خارج از نیریز رفت و در آنجا شورش و واقعه نیریز شروع شد. همانند واقعه شیخ طبرسی، نیروهای دولتی که خود را ناتوان از سرکوبی بابیان می‌دیدند در ابتدا به حقه متوسل شدند و در نهایت دستور قتل عام عمومی را اجرا نمودند، شورش اول نیریز، سه سال بعد با واقعه دیگری ادامه پیدا کرد که مانند واقعه اول خونین بود و پس از آن قتل عام عظیمی از بابی‌ها رخ داد هنگام

اولین ورود وحید به نیریز تقریباً تمام یک محله شهر، محله چنار سختا به علاوه گروهی از مردم محلات دیگر برای شنیدن سخنان وحید گرد آمدند و پیرو او شدند. در یک روایت جمعی محله چنار سختا حدود ۱۰۰۰ نفر تخمین زده شده و حدود ۵۰۰ نفر نیز از سایر مناطق نیریز آمدند البته بدون شک گروهی احساس کردند در صورت ادامه همراهی جانشان در خطر خواهد بود لذا از همراهی با بایان دست کشیدند. در واقعه دوم نیریز نیز شهر کاملاً دوقطبی شده بود و تمام بایبها در محله چنارسختا به سر می بردند.

نویسنده در ادامه به موقعیت شغلی مشارکت کنندگان در وقایع نیریز اشاره می کند تا تصویر شفاف تری از پایگاه اجتماعی و طبقاتی این شورشیان حاصل گردد.

تعداد مشارکت کنندگان	طبقه بندی شغلی
۶	علمای سطوح بالا
۶۰	علمای سطوح پائین
۱۱	اشراف، مالکین و صاحب منصبان حکومتی
۰	تجار عمده فروش
۶	تجار خرده فروش
۱۹	کارگران ماهر شهری
۳	کارگران غیر ماهر شهری
۵	دهقانان
۰	نامشخص (زمینه شهری)
۲۲۷	نامشخص (زمینه روستائی)
۰	نامشخص (نامشخص)
۳۳۷	کل

نویسنده تاکید می کند که نگاهی اجمالی به وضعیت شغلی شورشیان نیریز حاکی از آن است که که پیروان وحید از اقشار گوناگون اجتماعی که در یک محله در شهری کوچک زندگی می کنند، تشکیل شده بودند.

### شورش زنجان ۱۸۵۱-۱۸۵۰

رهبر بایبها در زنجان فردی بود به نام ملامحمد علی زنجان‌ی و باب بعدها او را حجت نامید. پدر حجت یکی از علمای عمده زنجان بود و حجت تحصیلات الهیات خود را در کربلا



و نجف گذرانید، و بعد در زمان مرگ پدرش به زنجان آمد تا موقعیت پدر را بدست آورد اما بین حجت و مجتهدان زنجان همواره اصطکاک وجود داشت به این دلیل که در عراق، حجت از دکتربین ضد مجتهدی مدرسه اخباریون حمایت کرده بود، علمای زنجان از حجت نزد محمد شاه شکایت نمودند. محمد شاه حجت را به تهران آورد ولی تبرئه شد و مجدداً به زنجان بازگشت در این مقطع می‌باشد که بایبه ظهور می‌کند و حجت اشتیاق خود را به این مذهب اعلام می‌نماید. بعد از چند اتفاق کوچک، خشونت آغاز گردید و شهر به ۲ قسمت تقسیم شد و قسمت شرقی در دست بایبه‌ها قرار گرفت، این واقعه بیش از بقیه طول کشید. در مجموع در حدود ۸ ماه، زیرا زنجان شهر بزرگتر و پراهمیت‌تری نسبت به نیریز بود و همچنین تعداد شرکت کنندگان بایبی در این شهر بسی وسیع‌تر بود.

در این واقعه تسلیم شدن تدریجی بایبه‌ها بسیار مشهود است. اطلاعاتی که از مشارکت کنندگان در واقعه زنجان وجود دارد بسیار ناچیز است و تنها اسامی ۶۸ نفر و اطلاعات محدودی پیرامون آنها را نمایان می‌کند.

#### وضعیت شغلی مشارکت کنندگان در شورش زنجان

علمای سطح بالا	۵
علمای سطوح پائین	۵
اشراف، مالکین و صاحب منصبان	۷
تجار عمده فروش	۱
تجار خرده فروش	۳
کارگران ماهر شهری	۹
کارگران غیرماهر شهری	۳
دهقانان	۰
طبقه‌بندی نشده (شهری)	۰
طبقه‌بندی نشده (روستائی)	۳۵
غیرمشخص	۰
کل	۶۸

نویسنده پس از بررسی وضعیت اجتماعی مشارکت کنندگان شورش زنجان نتیجه‌گیری می‌کند که پایگاه اجتماعی شورشیان زنجان نمایانگر تمام بخشهای جمعیتی یک شهر متوسط

در ایران است و از منظر جامعه شناسی حاکی از حضور تمام لایه ها و اقشار اجتماعی در این شورش ها می باشد.

### وقایع تهران ۱۸۵۲-۱۸۵۰

دو واقعه بزرگ در تهران اتفاق افتاد، اولی در سال ۱۸۵۰ که در میان بابیان به ۷ شهید تهران معروف می باشد در حالی که دومی در سال ۱۸۵۲ پس از تلاشی در راستای کشتن شاه رخ داد و واقعه وسیع تری بود که به بازداشت و اعدام گروه عظیمی از بابیها منجر شد. در سال ۱۸۵۰ در تهران تعدادی از بابیها بازداشت شدند و ۷ نفر آنها محکوم به اعدام گشتند. این افراد عبارت بودند از حاج میرزا سید علی شیرازی (تاجر)، میرزا قربان علی بارفروشی و رهبر صوفی نعمت‌اللهی، حاجی ملا اسماعیل قمی (آخوند)، سید حسین ترشیزی (مجتهد) حاج محمد تقی کرمانی (تاجر)، سید مرتضی زنجانی (تاجر)، محمد حسین مراغه‌ای (صاحب منصب حکومتی)، این افراد نمایندگانی از تمام طبقات جامعه ایران اعم از درویش، تاجر، صاحب منصبان حکومتی، علما و... بودند. از نظر زادگاه نیز این افراد تقریباً تمام مناطق ایران را نمایندگی می کردند. یکی از آنها از فارس و بقیه از مازندران، خراسان، آذربایجان، کرمان، خمسه و قم بودند.

اعدام بابیان در ۱۸۵۲ تهران: بعد از وقایع ۱۸۵۰، یک دوره یکساله و نیم به چشم می خورد که در آن جنبش بابیه ساکن و بی حرکت است، با این حال گروهی از بابیهای تهران نقشه جان ناصرالدین شاه را کشیدند به این دلیل که او را مسئول قتل دوستان خود می دانستند ولی تلاش برای ترور ناصرالدین شاه به شکست انجامید و منجر به دستگیری و اعدام وسیعی در میان بابیان گشت مومن موقعیت شغلی و زادگاه جغرافیایی بابیان اعدام شده در ۱۸۵۲ تهران را به صورت زیر خلاصه می کند

## شغل و ریشه‌های جغرافیائی بایبان

## اعداد شده در تهران (۱۸۵۲)

	علمای سطوح بالا	علمای سطوح پائین	اشراف زمین‌داران و صاحب‌منصبان	تجار عمده فروش	تجار خرده‌فروش	کارگران ماهر شهری	کارگران غیرماهر شهری	دهقانان	طبقه‌بندی نشده (شهری)	طبقه‌بندی نشده (روستائی)	طبقه‌بندی نشده (نامشخص)	
خراسان	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۳	
گیلان و مازندران	۰	۲	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۰	
آذربایجان	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	
قزوین و خمس	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	
تهران و قم	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
کاشان و کلات	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	
اصفهان	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۳	۰	
فارس	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	
یزد و کرمان	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
نامشخص		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	
کل	۲	۹	۴	۲	۲	۱	۱	۰	۲	۷	۶	۶

نویسنده در ادامه مشخصه‌های اصلی هر واقعه را متمایز می‌کند و می‌گوید:

حوادث زنجان و نیریز محدود به شورش‌های شهری متأثر از چهره‌های کاریزماتیک بوده که به آیین بایسم روی آورده و باعث جذب گروه عظیمی از مردم به این آیین شدند و از این رو مخالفت و دشمنی علما برانگیخته شد. همچنین شواهد ناچیزی دال بر حمایت عظیم دهقانان از جنبش بایبه و حرکت عظیم از دیگر مناطق ایران به منظور حمایت از هم مسلکان بایی وجود دارد. با این حال واقعه شیخ طبرسی کمی متفاوت است در آنجا مشتاق‌ترین بایبها از همه مناطق ایران گرد آمدند تا زیر پرچم ملاحسین متحد شوند. تلاش برای ترور ناصرالدین شاه را نیز می‌توان به عنوان یک عمل تروریستی شهری برنامه‌ریزی شده به وسیله حدود ۱۲ بایی در تهران توصیف نمود، بجز تلاش ناموفق میرزا یحیی برای برانگیختن شورش در تاکور مازندران به منظور همراهی با ترور شاه، شواهد ناچیزی از مشارکت وسیع بایبها در این واقعه وجود دارد. مومن در پایان مهم‌ترین نکات جامعه‌شناختی در مورد شورش‌های بایبه را به این صورت خلاصه می‌کند.

۱- یک نکته شگفت‌انگیز در بررسی پایگاه اجتماعی بایی‌ها این است که عشایر و بیابان‌گردان در میان بایبها حضور ندارند. این در حالی است که در آن مقطع بخش قابل توجهی

از جمعیت ایران را بیابانگردها تشکیل می‌دادند. در واقع هیچ تلاشی از سوی بایبها برای تأثیرگذاری بر این اقشار صورت نگرفت.

۲- تعداد عظیمی از بایبها علمای سطوح پائین بودند و رهبری بایبها نیز در دست این گروه بوده است.

۳- در شورش‌های بایبه، طبقه‌های بالا (اشراف، متمولین و صاحب‌منصبان) نیز حضور داشتند. اگرچه میزان مشارکت طبقه‌های بالا در میان کل مشارکت‌کنندگان بایبه چندان زیاد به نظر نمی‌رسد ولی در واقع این میزان مشارکت بازتاب درصداً واقعی این گروهها در کل جمعیت است.

۴- همان‌طور که گفتیم نویسندگان مارکسیست بر حضور وسیع دهقانان، صنعت‌گران، فقرای شهری و تجار خرده‌پا در شورش‌های بایب تأکید کرده و عوامل اقتصادی و طبقاتی را عامل این حضور فراگیر می‌دانند با این حال باید در نظر داشت که این طبقات اکثریت عظیمی از جمعیت کشور را دربرمی‌گرفتند لذا به سختی می‌توان شواهدی در تأیید نظریه ایوانف پیدا نمود.

۵- اگر چه باب خودش از خانواده‌ای بازرگان بود ولی شواهد ناچیزی وجود دارد مبنی بر اینکه بازرگانان اعم از عمده فروش یا خرده‌فروش نقش مهمی در شورش‌های بایب داشته‌اند.

۶- در تز ایوانف تأکید زیادی بر یک متن گنگ و مبهم که منتسب به ملا محمدعلی بارفروش است شده است نقطه الکاف نوشته حاج میرزا جانی براساس تفسیر ایوانف، ملا محمد علی بارفروش قبل از آن که بایبها در بدشت گرد هم آیند تأکید می‌کند که نظم کهن مرده است و افراد (ایمانداران به بایبه) از وظایف قدیمی خود آزاد گشته، مالکیت غصبی می‌باشد و هر کس که می‌خواهد می‌تواند خود را از پرداخت مالیات معاف کند. با این حال با بررسی دقیق متن درمی‌یابیم که این متن ربطی به سخنرانی ملا محمد علی ندارد بلکه یکی از گریز از موضوعات طولانی و گنگ و مبهمی است که نویسنده نقطه الکاف بیان داشته است اگرچه این موضوع که ملا محمد علی از خانواده‌ای دهقان بود را نمی‌توان انکار کرد با این حال به نظر می‌رسد که آموزش‌های مذهبی او در کربلا و مشهد هویت او را بیشتر با طبقه علما پیوند می‌زد تا روستائیان و موضع‌گیری‌های او بیشتر به فردی روحانی که نگران مسایل دینی است نزدیک می‌باشد تا یک دهقان انقلابی دغدغه‌مند مسایل اجتماعی. حتی طاهره قره‌العین نیز در درجه اول یک مدافع پرشوق و پرو پا قرص آئین بایبه است و تنها در مرحله ثانویه یک اصلاح‌گر اجتماعی محسوب می‌شود. بررسی دقیق نوشته‌های باب و پیروان او در مجموع بیانگر این است که آنها بیشتر به مسایل دینی پرداخته‌اند تا موضوعات اجتماعی و در خود نوشته‌های باب هیچ اشاره مستقیمی به مبارزه طبقاتی یا اشتراک اموال و نابودی فئودالیزم و ... وجود ندارد.

۷- همان‌طور که گفتیم نویسندگان مارکسیست بر تأثیر غرب بر شکل‌گیری بابیسم و ورود سیل آسای کالاهای غربی که منجر به ورشکستگی صنایع داخلی گردید، تأکید زیادی داشته‌اند و به صنعت‌گران به عنوان نیروی اجتماعی بسیار آسیب‌پذیر در مقابل هجوم کالاهای غربی نگریسته‌اند.

اگرچه درست است که گروهی از صنعت‌گران در شیخ‌طبرسی حضور داشته‌اند به طور مشخص یک گروه ۱۸ نفره که از اصفهان آمده بودند، ولی این تعداد کمتر از نیمی از افرادی بود که از اصفهان آمده بودند (۴۲ نفر از اصفهان آمده بودند) و ۹ نفر آنها هم بنا بودند و معاش آنها هیچ ارتباطی به نفوذ غربی‌ها نداشت.

اگر به مخاطره افتادن منافع صنعت‌گران عامل مهمی در شکل‌گیری شورش‌های بابیه می‌بود اولاً می‌بایستی عده بیشتری از صنعت‌گران و پیشه‌وران در این وقایع شرکت می‌کردند. ثانیاً انتظار می‌رفت که تعداد بیشتری از شهرهایی مانند اصفهان، کاشان، یزد، همدان و شیراز به بابیان می‌پیوستند. علاوه بر این انتظار وقوع شورش در این شهرها کاملاً منطقی به نظر می‌رسید. همچنین در مجموع مشارکت وسیعی توسط بازرگانان وجود نداشته است زیرا همان‌طور که کاظمی گفته است آنها چیزهای محدودی برای بدست آوردن و چیزهای زیادی برای از دست دادن از طریق پیوستن به بابیان داشته‌اند.

۸- اگرچه درست است که تعدادی از روستائیان و دهقانان به بابیها ملحق شدند ولی به نظر می‌رسد که این الحاق بیشتر متأثر از تحریکات رهبران دینی ملحق به بابیه باشد تا آرزومندی برای تغییرات اجتماعی. این موضوع به وضوح در بشرویه (Bushruiyya)، سنگسر و شاهمیرزاد وجود دارد. در مورد بهنمیر (Bihnamir) موضوع جالب‌تر می‌باشد. در این منطقه حدود ۴۰ تن از روستائیان تحت هدایت و رهبری مالک محلی خود به بابیها در شیخ‌طبرسی پیوستند لذا نمی‌توان آنها را روستائینی که علیه فتوادلیم برخاسته‌اند در نظر گرفت.

### تبیین مومن از شورش‌های بابیه:

نویسنده پس از بیان نکات جامعه‌شناختی سعی می‌کند رویکرد جایگزینی درباره چرایی پیوستن افراد به جنبش بابیه در شهرها و مناطق مختلف ارائه دهد و می‌گوید:

چیزی که مشخص است این است که عقاید بابیه توسط ۱۸ حواری اولیه باب (حروف حی) که همگی از علمای سطوح پائین و شاگرد سید کاظم رشتی - رهبر شیخیه - بودند در سرتاسر ایران گسترش یافت. این ۱۸ نفر و سایر فرستادگان باب از هر شهر به شهر دیگر و از هر روستا به روستای دیگری می‌رفتند و در هر مکانی باعث روی آوردن عده‌ای از مردم به آئین بابیسم می‌شدند. افرادی که به دین جدید روی می‌آوردند تقریباً از تمام گروه‌های اجتماعی بودند ولی اکثر آنها از علمای سطوح پائین بودند این طبقه رهبری جنبش را نیز به

عهده داشت. روش موعظه و تبلیغ از هر واعظ به واعظ دیگر متفاوت بود (هریک از فرستادگان باب با روش خاص خود به موعظه و تبلیغ می‌پرداختند). برخی از آنها کار خود را با احتیاط انجام می‌دادند در حالی که در مناطق دیگر کاملاً آشکار و حتی از پشت منبر، آئین جدید تبلیغ می‌گردید. در اکثر مناطق تنها یک شماره محدودی به دین جدید می‌پیوستند ولی پیوستن گروه عظیمی از مردم شهر معمولاً موقعی اتفاق می‌افتاد که یک چهره شاخص و محبوب شهر - معمولاً از علما - به این دین می‌پیوست و این باعث می‌شد که پیروان او به دین جدید روی آورند. این دقیقاً همان اتفاقی بود که در زنجان رخ داد. در زنجان، تغییر دین ملا محمدعلی به بابیسم باعث شد که حدود  $\frac{1}{6}$  شهر بابی گردند همچنین در نیریز، تغییر دین حاج شیخ عبدالعلی و امام جمعه چنارسختا به علاوه شهرت و نفوذ وحید - داماد او - باعث شد که  $\frac{1}{3}$  شهر به بابیه بپیوندند. همان‌طور که می‌دانیم نیریز و زنجان مهم‌ترین شهرهایی بودند که در آنها شورش‌های بابی رخ داد. در مناطق کوچکتر نیز مشابه این اتفاق روی داد. در سنگسر و شاهمیرزاد، تغییر دین یک رهبر مذهبی محلی - آقا سید احمد - به بابیسم باعث پیوستن گروه عظیمی از مردم شد. در بهنمیر (Bihnamir) نیز این بار روی آوردن یک مالک محلی به بابیه باعث تغییر دین گروه عظیمی از مردم شد.

نویسنده تاکید می‌کند که اگرچه در این زمانها، بی‌سامانی اقتصادی و اجتماعی در ایران وجود داشته است و بدون شک این عوامل در ایجاد روح آشفتگی که گسترش یک پیغام جدید را تسریع و تسهیل می‌کند نقش داشته است اما پیغامی که توسط فرستادگان باب ارائه می‌شد اساساً یک پیغام مذهبی بود تا یک پیغام اجتماعی و تغییر دینی که در میان مردم اتفاق می‌افتاد بیشتر به دلیل قانع شدن آنها درباره ادعاهای باب و قبول نمودن مرام او بود تا اشتیاق برای یک برنامه اصلاحات اجتماعی. اکثریت بابیها از جمله مهم‌ترین رهبران آنها به این عنصر مذهبی توجه و تمایل داشتند. همچنین بابیها مبارزات مسلحانه‌ای که در شیخ طبرسی، نیریز و زنجان اتفاق افتاد را یا به عنوان ملازم ضروری برای ظهور مهدی تصور می‌کردند و یا دفاع از خود در برابر دشمنان و تنها به میزان بسیار ناچیزی دغدغه‌هایی چون اصلاحات سیاسی یا اجتماعی وجود داشت. در میان بابیها، تنها یک گروه خیلی کوچک بودند که به منظور سرنگون کردن نظم موجود و ایجاد یک نظم جدید به این جنبش پیوسته بودند. این افراد که شدیداً دغدغه‌مند اصلاحات اجتماعی و سیاسی بودند بعدها تحت عنوان شاخه ازلی به فعالیت‌های خود ادامه دادند. با این حال اکثریت بابیها دغدغه‌مند مسایل مذهبی بودند و در سال‌های بعد پیروان بهاء‌الله شدند. بهاء‌الله با خشونت و مبارزات مسلحانه مخالفت می‌کرد. او بعدها جهاد را ممنوع کرد. این که بابیها تحت رهبری بهاء‌الله متمایل‌تر به این شدند که اسلحه‌های خود را کنار بگذارند و هیچ قیام دیگری علی‌رغم رشد این حرکت شکل نگرفت موید این است که

اکثریت بایبها بخاطر اصلاحات اجتماعی یا انقلاب و شورش به این جنبش روی نیاورده بودند. مسلک بهایی به طرز روزافزونی از فعالیت سیاسی به سمت فعالیت‌های مذهبی حرکت نمود.

### نقد و ارزیابی مقاله:

مومن در این مقاله به بررسی مفصل شورش‌های بایبه پرداخته است و با بررسی دقیق پایگاه اجتماعی شرکت‌کنندگان در شورش‌های بایبه انتقادات اساسی بر تبیین مارکسیستی از این شورش‌ها ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که تحلیل‌های طبقاتی کارایی چندانی در رابطه با این وقایع ندارند. مهم‌ترین نقطه قوت این مقاله رجوع دقیق به جزئیات یکایک شورش‌ها و فرآیند شکل‌گیری و بررسی دقیق و تحلیلی پایگاه اجتماعی شورشیان و نقد مستدل بر تبیین مارکسیستی - طبقاتی از این وقایع می‌باشد. به‌طور کلی کاربست تحلیل‌های مارکسیستی بر بسیاری دیگر از وقایع ایران از جمله انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و ... نیز بسی پراشکال است و به نظر می‌رسد که نواقص زیادی دارد و موجان مومن در این مقاله ضعف این رویکرد در تبیین شورش‌های بایبه را به‌طور مستندی نمایان می‌کند با این حال مهمترین نقدی که بر این مقاله می‌توان وارد کرد ضعف در ارائه چارچوبی مستدل و تئوریک پیرامون چرایی شکل‌گیری این شورش‌ها در این مقطع زمانی از یک‌سو و عدم تأکید بر ماهیت پیغام‌های مذهبی بایبه و چگونگی تأثیر آن بر جلب برخی نیروهای اجتماعی از سوی دیگر می‌باشد. در واقع نویسنده تنها بر این نکته تأکید کرده که با رویکرد طبقاتی نمی‌توان این شورش‌ها را تبیین کرد و در جای جای این مقاله رویکرد جایگزین مستدل کمتر به چشم می‌آید و به نظر می‌رسد که در این زمینه تا حدودی خلا وجود دارد. پیغام مذهبی بایبان و نه دغدغه‌های اجتماعی که از نظر نویسنده مقاله نقش زیادی در اقتناع پیروان داشته است و شرایط سیاسی اجتماعی ایران که بدون شک فضای مناسب برای چنین شورش‌هایی را فراهم آورد نیز مورد غفلت واقع شده است. در واقع سیر تحولات فکری که زمینه‌های شورش بایبه را فراهم آورد بدون شک تأثیر زیادی بر این حرکت داشته است و خلا بررسی عمیق تر پیرامون اندیشه‌های مذهبی بایبه و تحولات فکری در مکتب شیخیه کاملاً به چشم می‌خورد. در مجموع به نظر می‌رسد که خلا برای انجام کارهای بنیادی تر که با بهره‌گیری از داده‌های مستند تاریخی از شورش‌ها و در نظر گرفتن فضای سیاسی اجتماعی فرهنگی ایران در سال‌های منتهی به نیمه دوم قرن نوزدهم چارچوب تئوریک قوی تری در تبیین جامعه شناختی این شورش‌ها ارائه دهد همچنان باقی است با این حال این مقاله پیش در آمدی مناسب برای انجام کارهای تحقیقی غنی تر در این حوزه می‌باشد.